
سیب هوس

گزیده غزل

امید صباغ‌نو

نشر تیما

سبب شناسنامه:	مبایغ نو، امید، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآورنده:	سیب هوس / گزیده غزل امید مبایغ نو.
مشخصات نشر:	تهران / نشر نیماژ / ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۱۸۴ ص
فروست:	شعر
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۴۰۷-۳
وضعیت فهرست نویسی:	فیفا
موضوع:	شعر فارسی- قرن ۱۴
موضوع:	Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره:	۹۱۳۹۶ س ۲۵۷ ب / PIR ۸۱۳۱
رده بندی دیویی:	۸۱ / ۶۲
شماره ی کتاب شناسی ملی:	۴۹۳۷۵۹۱

عنوان /	سیب هوس
مولف /	امید مبایغ نو
ناشر /	نشر نیماژ
صفحه آرا /	یاسمین حشدری
لیتوگرافی /	ترنج
چاپ و صحافی /	کهنمویی
نوبت چاپ /	ششم ۱۳۹۸
تیراژ /	۲۰۰۰ نسخه
شابک /	۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۴۰۷-۳

اینستاگرام:

Nimajpublication

آدرس سایت:

www.Nimaj.ir

Nimajpublication@gmail.com

۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

فروشگاه:

خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دولت، شماره ۱۵۷۱

تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵

فروشگاه مرکزی:

خیابان کریمخان زند، خیابان خردمند جنوبی، نبش کوچه یگانه، کتاب فروشی مرکزی نیماژ

تلفن: ۸۸۴۲۰۶۰۰

دفتر مرکزی:

خیابان انقلاب، خیابان فخرآزی، خیابان لبافی نژاد، شماره ۱۸۴

تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است

فهرست

- لرزه‌های تنم طبیعی نیست؛ مثل مجنون... / ۹
چقدر ساده به هم ریختی روان مرا! / ۱۱
نهالی کاشتم، هی صبر کردم تا به بار آمد / ۱۳
بی عشق هیچ فلسفه‌ای در جهان نبود / ۱۵
طاغوتی از تردید افتاده‌ست در دینم / ۱۷
خواست پررنگ کند جلوه‌ی لبخند مرا / ۱۹
گفتی چه خبر؟ از تو چه پنهان خبری نیست / ۲۱
زمان، زمان بلوغ است و فصل، فصل هرس / ۲۳
جهان بی تو چیزی نیست جز یک زیرسیگاری / ۲۵
حیف... باین که دوستت دارم، سهم دستاتم... / ۲۷
عشقت چنان آتش به جان گاه می‌افتد! / ۲۹
دستی نمی‌بریم اگر چه به کار مرگ / ۳۱
به ظاهر گرچه می‌خندم، به ظاهر گرچه آرامم / ۳۳
گرسته بودم و از عشق سیرتر شده‌ام / ۳۵
کوچه جهنم است، خیابان جهنم است / ۳۷
می‌شود سخت‌ترین مسأله آسان باشد / ۳۹
می‌خواستم عاشق نباشد، اشتباهی شد! / ۴۱
اگر جز آدمیت نیست بحث عالم بعدی / ۴۳
گرچه جنگ میان ما دونفر / ۴۵
کسی که شاهد حس عجیب من باشد / ۴۸
شرمنده‌ایم! عاشق و دلداهه نیستیم / ۵۰
اولین دیدارمان - یادش به خیر - / ۵۲
تسخیر کردی روح این تنهای عالم را / ۵۵
خبر داری چرا وقتی دل بی تاب می‌گیرد / ۵۷
در استکان من غزلی تازه دم بریز / ۵۹
بدون شک، همه‌ی عمر شرمگین بوده / ۶۱
با دردهای دور و نزدیکم هماهنگم / ۶۳
وسط روزهای بی تقویم، مانده از آفتاب بی کس تر / ۶۵
چه جان سختم که بعد از رفتن تو، باز جان دارم! / ۶۷
حس و حال همه‌ی ثانیه‌ها ریخت به هم / ۶۹
جادوی چشم‌های تو را دختری نداشت / ۷۱
بکش به سمت نگاهم گلن گدن‌ها را / ۷۳
گفتند: نگذر از غرورت، کار خوبی نیست / ۷۵
نمی‌فهمم دلیل اصلی اعلان جنگش را / ۷۷
تسبیح عشق پاره شد و ریخت دانه‌ها / ۷۹
در مسیر خود هزاران پیچ و خم دارم رفیق / ۸۱

- به تب و لرز تلخ تنهایی / ۸۲
- بساط عشق ندیدم از این مرتب‌تر / ۸۵
- شب است و باز دل دادم به چشمان غزل‌سازت / ۸۷
- وقتی که باشی دوست دارم رنج‌ها را هم / ۸۹
- زندگی، بی تو پر از غم شدنش حتمی بود / ۹۱
- رسیده‌ای که برایم «جنون» رقم زده باشی / ۹۳
- در من نوید جنگ غم‌انگیز دیگریست / ۹۵
- اگرچه گفته بودی پای عشقت تا ابد مردی / ۹۷
- درست مثل من از عشق خود پشیمان بود / ۹۹
- درد عشقی کشیده‌ام که فقط / ۱۰۱
- دیوانگی‌ها گرچه دائم دردسر دارند / ۱۰۴
- گرچه هرشب استکان بر استکانت می‌زنند / ۱۰۶
- چون شعله در دستان دشت پنبه گیرم / ۱۰۸
- نشستیم و قسم خوردیم رو در رو به جان هم / ۱۱۰
- معشوق من، ای نهایت دانایی / ۱۱۲
- در کوچه‌های شهر، شهد و شکر آوردند / ۱۱۴
- نگو که شب شده راحت بخواب، راحت نیست / ۱۱۶
- به جای این که در شب‌های من خورشید بگذارید / ۱۱۸
- لحظه‌ای مثل من تصور کن... / ۱۲۰
- غم‌ها اگرچه وصله شده بر تنم، غزل / ۱۲۲
- ای قسم خورده به خون! از قسمت می‌ترسند / ۱۲۴
- یک روز تاریخ بشر تکرار خواهد شد / ۱۲۶
- چه زیبا می‌شود شب‌های من وقتی که می‌خندی / ۱۲۸
- هفت سال پیش، روی بغض‌هایم پا گذاشت / ۱۳۰
- دوباره می‌روی و دل خراب می‌ماند / ۱۳۲
- هزاران شب است امتحان می‌شوم... / ۱۳۴
- از سر گذشته سرگذشت یک وجب آبم! / ۱۳۶
- نمی‌گویم به این دیوانه‌بازی‌هایم عادت کن / ۱۳۸
- صحبت «بدر» و «فتح» مطرح شد / ۱۴۰
- بی‌اختیار دست به حس تو می‌برم / ۱۴۳
- حل می‌شود آیا برایم این معما صبح؟ / ۱۴۶
- به باد داده نه/ بود تو روزگرم را / ۱۴۸
- دلما صد تکه شد، هر تکه‌اش یک جا فرود آمد / ۱۵۰
- هرچه می‌گویند تاریکی نوید روشنیست / ۱۵۲
- وقتی که می‌بینی دلت رسوای عالم می‌شود / ۱۵۴
- وقتی که رفتی، پشت شعرم تا ابد خم شد / ۱۵۶
- مثل هرشب، هوس عشق خودت زد به سرم / ۱۵۸
- بُردم و باختی، کم آوردی... / ۱۶۰
- به مُردادی‌ترین گرما قسم بدجور دلتنگم / ۱۶۲
- درون شعر فراز و نشیب ممنوع است / ۱۶۴
- روح لطیف و پاک و روان، شکل آب‌هاست / ۱۶۶
- تا کودتا کردی، گرفتگی جان شاهم را / ۱۶۸
- ها، غزل‌بانوا برایم شعر عالی یست کن / ۱۷۰
- قصه‌ی عشق غم‌انگیز نمی‌فهمیدیم! / ۱۷۲
- تفکیک کردی زوج را از فرد، یعنی که / ۱۷۴
- خُشکانده‌ام اسم تو را، عمری‌ست لای دفترم / ۱۷۶
- از جنس خاک این حوالی نیست... / ۱۷۸
- مثل شرابی، لذت‌انگیزی؛ نمی‌دانی؟ / ۱۸۰
- حس می‌کنم این بدترین رسم زمین است: / ۱۸۲